

بررسی رابطه بین هوش معنوی و بهزیستی روانشناختی با صفات شخصیت مهارت آموزان دانشگاه فرهنگیان شادگان

حسین جریدی نژاد<sup>۱\*</sup>

#### چکیده

**هدف:** هدف کلی این پژوهش بررسی رابطه بین هوش معنوی و بهزیستی روانشناختی با صفات شخصیت مهارت آموزان دانشگاه فرهنگیان شادگان می باشد.

**روش:** روش پژوهش به کار رفته در این پژوهش، توصیفی است. نمونه پژوهش شامل ۸۰ نفر از مهارت آموزان دانشگاه فرهنگیان است که با روش نمونه گیری تصادفی انتخاب شده اند. برای سنجش متغیرهای این پژوهش از پرسشنامه هوش معنوی، بهزیستی روانشناختی و صفات شخصیت استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش ضریب پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شد.

**یافته ها:** نتایج پژوهش نشان داد که بین هوش معنوی و بهزیستی روانشناختی مهارت آموزان در سطح ۰/۰۰۱ رابطه معنی داری وجود دارد.

**نتیجه گیری:** داشتن هوش معنوی بالا و بهزیستی روانشناختی قوی، بسیار مفید و ضروری است. افرادی که دارای باورهای معنوی قوی هستند، در مقایسه با سایر افراد در تکالیف موفقیت های بالایی را کسب می کنند مطابقت دارد.

**کلید واژه ها:** هوش معنوی، بهزیستی روانشناختی، صفات شخصیت، مهارت آموزان دانشگاه فرهنگیان

#### مقدمه

ماهیت و ساختار بهزیستی موضوعی است که از گذشته مورد توجه فیلسوفان و دانشمندان رشته های مختلف بوده و اخیراً در کانون توجه روانشناسی مثبت گرا که مطالعه علمی عملکردهای بهینه انسان است، قرار گرفته است. روانشناسی مثبت با مطالعه و بررسی هیجانانگیز و ویژگی های مثبت شخصیتی و جنبه های خوش بینانه تری هم چون (سلامت روانی و بهزیستی روانشناختی) می پردازد به دنبال ظهور نظریه های مبتنی به

<sup>۱</sup> کارشناسی گروه روانشناسی و عضو پژوهشکده تعلیم و تربیت اداره کل آموزش و پرورش استان خوزستان، ایران (نویسنده مسئول)؛

ایمیل hossen935170322@gmail.com

جای درمان و جنبش روانشناسی مثبت، گروهی از روانشناسان به جای اصطلاح سلامت روانی از بهزیستی روانشناختی استفاده کرده‌اند. بهزیستی روان شناختی به ادراک فرد از میزان هماهنگی بین خود از یک سو و پیامدهای عملکردش از سوی دیگر اشاره دارد و به عنوان یک ارزیابی مداوم و نسبتاً پایدار از رضایت درونی در طول عمر یک فرد مطرح می‌شود (بهادری خسروشاهی و هاشمی نصرت آبادی، ۱۳۹۲).

بهزیستی روان شناختی شامل تجربه عواطف خوشایند، سطوح پایین خلق منفی و رضایت بالا از زندگی است (کلارگ و گوسن، ۲۰۰۹). سیساسک، وارنیک و آپتر، بالاز و همکاران (۲۰۱۴) معتقدند که داشتن بهزیستی روان شناختی بالا، رضایت از زندگی و توانایی درک مشکلات روانی در زندگی و افزایش آمادگی افراد برای کمک به مشکلات روحی و روانی خود می‌شود. همچنین میزان بالایی از بهزیستی روان شناختی افراد منجر به افزایش کیفیت زندگی در فرد می‌شود (ایلگان، اودو سنگیز، آتا و آکرام، ۲۰۱۵).

بهزیستی روان شناختی به عنوان تجربه‌ی درونی عواطف مثبت و احساس سرزندگی و سلامت عاطفی، عدم تجربه‌ی درماندگی ذهنی و رضایتمندی کلی از زندگی و نیز تلاش برای کمال در جهت تحقق تواناییهای بالقوه‌ی واقعی فرد تعریف می‌شود که در ارتقای سلامت عمومی و بهبود عملکرد روانی-اجتماعی نقش مهمی دارد (ریف، ۱۹۸۲). بهزیستی روان شناختی یک مفهوم چند مؤلفه‌ای و شامل، پذیرش خود، روابط مثبت با دیگران، خودمختاری، تسلط بر محیط، زندگی‌هدفمند و رشد فردی است (فریبورگ و همکاران، ۲۰۰۵). شرایط نامناسب زندگی قادر است پریشانی هیجانی و کاهش بهزیستی روان شناختی فرد را پیشبینی و تبیین کند (پیسانتی و همکاران، ۲۰۱۱). عوامل معنوی و اخلاقی نیز به خصوص در زندگی فرد، نقش به‌سزایی در کاهش مشکلات روان شناختی دارد. بین معنویت با ابعاد گوناگون سلامت جسمانی، روانی و اجتماعی ارتباط مستقیمی وجود دارد. و افراد با ویژگیهای معنویت ادراک شده‌ی بالا از کیفیت زندگی بهتری برخوردارند (کوئینگ، ۲۰۱۵).

هوش معنوی به عنوان یکی از مفاهیم جدید هوش، دربردارنده‌ی نوعی سازگاری و رفتار حل مسئله است که بالاترین سطح رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی و بین فردی شامل می‌شود چنانچه توانایی برای سود جستن از منابع معنوی را به عنوان یک هوش قلمداد کنیم، پس این توانایی بایستی در حل مسائل زندگی و رسیدن افراد به اهداف کمک کند و منجر به سازگاری بهتر آنان گردد. هوش معنوی به معنای درک مسائل عمیق وجودی و معنوی که بر نوعی آگاهی از ارتباط با خداوند، با دیگر انسان‌ها، با عالم هستی و با همه‌ی موجودات است که به فرد کمک می‌کند اطلاعات معنوی خود را با موقعیت‌های بیرونی ادغام کند

و به سازگاری دست یابد. هوش معنوی، بالاترین سطوح رشد در حیطه های مختلف شناختی اخلاقی، هیجانی و بین فردی را شامل می شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده های اطرافش و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می کند (یانگ، ۲۰۰۸).

بین هوش معنوی و بهزیستی روانشناختی در زندگی ارتباط مثبت و معنی دار وجود دارد. در زندگی افراد به طور روزانه با عوامل استرس زای مواجه میشوند که می توانند فرد را به لحاظ فیزیکی و روانی به خطر بیندازند. در چنین مواردی منبع ذاتی که ممکن است به فرد کمک کند معنویت است، به این دلیل که به زندگی فرد معنی و هدف می دهد (بفگری، ۲۰۱۱).

مسأله هوش به عنوان یک ویژگی اساسی که تفاوت فردی را در بین انسانها موجب می شود از ابتدای تاریخ مکتوب زندگی انسان مورد توجه بوده است. اما آغاز مطالعه هوش، غالباً بر جنبه های شناختی آن نظیر حافظه، حل مسأله و تفکر تأیید شده، در حالی که امروزه نه تنها جنبه های غیر شناختی هوش یعنی توانایی عاطفی، هیجانی، شخصی و اجتماعی مورد توجه قرار می گیرد؛ بلکه در پیش بینی توانایی فرد برای موفقیت و سازگاری در زندگی نیز مورد اهمیت واقع شده است. پس از گسترش مفهوم هوش به سایر مقوله ها، ظرفیت ها، توانایی های انسان و به خصوص مطرح شدن هوش هیجانی در روانشناسی، سازه جدیدی به عنوان هوش معنوی مطرح شد. هوش معنوی مجموعه ای از توانایی ها برای بهره گیری از منابع دینی و معنوی است. هوش معنوی سازه های هوش و معنویت را در یک سازه ترکیب نموده است (هرمان، ۲۰۱۵) درحالیکه معنویت جستجویی برای یافتن عناصر مقدس، معنایی، هوشیاری بالا و تعالی است، هوش معنوی شامل توانایی برای استفاده از چنین موضوعات است که میتواند کارکرد و سازگاری فرد را پیشبینی کرده و منجر به تولیدات و نتایج ارزشمندی گردد. اهمیت معنویت و رشد معنوی در انسان، در چند دهه گذشته به صورتی روز افزون توجه روان شناسان و متخصصان بهداشت روانی را به خود جلب کرده است به طوری که سازمان بهداشت جهانی در تعریف ابعاد وجودی انسان، به ابعاد جسمانی، روانی، اجتماعی و معنوی اشاره می کند و بعد چهارم یعنی بعد معنویت را نیز در رشد و تکامل انسان مطرح می سازد. هوش معنوی به برخورداری از حس پذیرش، احساسات مثبت، اخلاق و حس ارتباط متقابل مثبت با یک قدرت و برتر قدسی، دیگران و خود اطلاق می شود که طی یک فرایند پویا و هماهنگ شناختی، عاطفی، کنشی و پیامدی حاصل می آید. شناخت معنوی، عواطف معنوی، کنش معنوی، و ثمرات معنوی مولفه های اصلی هوش معنوی اند (اصغری و همکاران، ۱۳۹۳).

یکی از متغیرهای دیگر که در پژوهش حاضر بررسی می شود ویژگی های شخصیت است. اگر شخصیت را

ترکیبی از رفتار، افکار، هیجانات و انگیزش های فرد بدانیم، عوامل سازنده شخصیت ممکن است در افراد مختلف متفاوت باشد. از سوی دیگر امکان دارد این عوامل به شیوه های مختلفی ترکیب شده باشد به گونه ای که الگوهای شخصیتی گوناگونی را به وجود آورد. الگوی پنج عامل بزرگ شخصیت به عنوان چارچوبی با اهمیت در درک ساختار رفتار آدمی، مورد توجه پژوهشگران بوده و اکنون نیز هر کجا به دنبال تبیین رفتار هستند، به عنوان یک متغیر مهم در نظر گرفته می شود (پیکران و همکاران، ۲۰۱۲). الگوی صفات شخصیت مشتمل بر پنج عامل نسبتاً پایدار روان رنجور خوبی، برون گرایی، پذیرش، سازگاری و وظیفه شناسی است (کورو تکوو، ۲۰۱۴). روان رنجور خوبی، تمایل فرد برای تجربه اضطراب، تنش، خصومت تکانش وری و عزت نفس پایین بر می گردد در حالی که برون گرایی به تمایل فرد برای مثبت بودن، جرات طلبی و پارانرژی بودن اشاره می کند. پذیرش به تمایل فرد برای کنجکاوی، انعطاف پذیری و خردورزی اطلاق می شود؛ در حالی که تمایل فرد برای بخشندگی، مهربانی، سخاوت و همدلی را نشان می دهد، سرانجام اینکه وظیفه شناسی به تمایل فرد برای منظم بودن، کارابودن، خود نظم بخشی، پیشرفت مداری و منطقی بودن اطلاق می گردد (وودد، ۲۰۱۰). صفات شخصیت را یکی از منابع درون فردی اثرگذار بر بهزیستی روان شناختی معرفی می کنند (کورو تکوو، ۲۰۱۴).

برخی از ویژگی های شخصیتی افراد، بر بهزیستی روان شناختی و از این طریق بر سطح کیفیت زندگی آن ها به صورت مثبت یا منفی تاثیرگذار است. یکی از این ویژگی ها هوش معنوی است. کینگ (۲۰۰۹) هوش معنوی را به عنوان مجموعه ای از ظرفیت های ذهنی می داند که مبتنی بر جنبه های غیرمادی و متعالی هستی از قبیل شناختن خویشتن، تفکر وجودی عمیق تر و گسترش معنا است. لزوم توجه به رشد هوش معنوی در زندگی منجر به یافتن پاسخ چرایی انجام کارهای امور زندگی توسط افراد میشود، افرادی که دارای هوش معنوی بالا با تمام وجودشان در زندگی تلاش می کنند، زندگی را مانند یک ماموریت فرض می کنند و در نتیجه عملکرد مفیدتری خواهند داشت. کاشدان و نزلک (۲۰۱۲) معتقدند که تجربه معنویت روزانه و هوش معنوی منجر به یافتن معنی زندگی، عزت نفس و عاطفه مثبت می شود و با بهزیستی روان شناختی رابطه مثبتی دارد (بهلولی و همکاران، ۲۰۱۵). در واقع افرادی که از هوش معنوی بالایی برخوردارند میزان استرس کمتر و کیفیت زندگی آنان بالاتر است (صادقی و زمانی، ۲۰۱۵). افراد با هوش معنوی بالا، زندگی را با معنا و هدفمند تلقی می کنند و از آنجا که اتفاقات را در پرتو معنای کلی زندگی تفسیر کرده، هنگام مواجهه با ناسازگاری زندگی کمتر دچار یاس شده و راحت تر با آن ها کنار می آیند.

مشاک و صفرزاده (۱۳۹۳)، در پژوهش خود تحت عنوان نقش سازگاریهای معنوی و مذهب در تبیین اضطراب مرگ و احساس بهزیستی روان شناختی به این نتیجه رسیدند که پدیده اضطراب مرگ مسئله‌ای اجتماعی، خانوادگی و فردی است که سلامت خانواده و جامعه را تهدید می‌کند. در این میان سالمندان با توجه به این‌که دوره پرکاری و فعالیت خود را پشت سر گذاشته و وارد دوره بحرانی می‌شوند این مسئله اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. در این پژوهش بین شاخص‌های مذهبی و اضطراب مرگ رابطه منفی معنی‌دار و با احساس بهزیستی رابطه مثبت به دست آمد.

گنجه (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان داد که همبستگی معنی‌داری بین هوش معنوی، حمایت اجتماعی ادراک شده و احساس تنهایی با استرس و اضطراب مرگ وجود دارد. همچنین مؤلفه هوش معنوی توانست ۷۷/۴۱ درصد از اضطراب مرگ را تبیین نماید. در همین راستا سرتیپ زاده، علی‌اکبری دهکردی و طبائیان (۱۳۹۵) در پژوهش خود تحت عنوان بررسی اثربخشی معنویت درمانی بر اضطراب مرگ سالمندان نشان دادند که افرادی که از اعتقادات مذهبی قویتری برخوردارند مرگ را به عنوان یک فرایند طبیعی از زندگی می‌دانند. مرگ برای این افراد حسی از معنا در زندگی فراهم می‌سازد. چون سالمندی مرحله گرایش به معنویات و ارتباط با یک نیروی متعالی و گسست ارتباط با دنیاست برخوردار از هوش معنوی بالاتر اضطراب مرگ کمتری در افراد به وجود می‌آید. در پژوهش انیسی، احمدی و مرزآبادی (۱۳۹۲) روی ۱۰۳۸۹ نفر از کارکنان وزارت دفاع با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انجام شد به این نتیجه رسیدند که کارکنانی که دارای هوش معنوی بالاتری هستند التزام عملی بیشتری به اعتقادات دینی دارند. پژوهش‌هایی که به بررسی رابطه اعتقاد به اصول مذهبی اسلام و بهداشت روانی - اجتماعی صورت پذیرفته است نشان می‌دهد که میان نگرش‌های مذهبی و سازگاری فردی و اجتماعی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. عباسی و نادری (۱۳۹۴) طی پژوهشی که روی ۳۰۰ نفر از بیماران سرطانی که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شد به این نتیجه رسیدند که بین هوش معنوی و معنی‌داری زندگی با اضطراب مرگ رابطه منفی و معنی‌داری دارد.

یاهییون<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) نیز در پژوهش خود دریافت، که معنویت درمانی و افزایش هوش معنوی اثربخشی بالایی در کاهش اضطراب مرگ سالمندان دارد. همچنین بیان کرد افرادی که دارای معنویت درونی شده و فعال هستند و از حس اخلاقی و نوع دوستی قوی برخوردارند و انگیزه اصلی خود را در انسان بودن جست و جو می‌کنند و با روی آوردن به معنویات، سلامت خود و دیگران را حفظ می‌نمایند.

#### هدف کلی:

بررسی رابطه بین هوش معنوی و بهزیستی روانشناختی با صفات شخصیت مهارت آموزان دانشگاه فرهنگیان شهرستان شادگان

#### فرضیه های پژوهش:

- بین هوش معنوی و بهزیستی روانشناختی مهارت آموزان دانشگاه فرهنگیان رابطه وجود دارد.
- بین هوش معنوی و صفات شخصیت مهارت آموزان دانشگاه فرهنگیان رابطه وجود دارد.
- بین بهزیستی روانشناختی و صفات شخصیت مهارت آموزان دانشگاه فرهنگیان رابطه وجود دارد.
- بین هوش معنوی و بهزیستی روانشناختی با صفات شخصیت رابطه وجود دارد.

#### روش پژوهش

پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی است. در چنین پژوهش هایی، محقق به دنبال بررسی روابط احتمالی بین متغیرهای مورد مطالعه می باشد. هدف کشف رابطه علت و معلولی بین متغیرها نیست بلکه مطالعه روابط یک یا چند متغیر با یک یا چند متغیر دیگر است. پژوهشگر به دنبال بررسی روابط بین هوش معنوی و بهزیستی با صفات شخصیت مهارت آموزان دانشگاه فرهنگیان شهرستان شادگان بود.

#### جامعه آماری، نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری این پژوهش را کلیه ی مهارت آموزان دانشگاه فرهنگیان شهر شادگان تشکیل می دهند که از بین آنها و از طریق روش نمونه گیری تصادفی تعداد ۸۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب گردیدند.

#### ابزارهای پژوهش

در این پژوهش، به منظور گردآوری اطلاعات و داده ها ابزارهای زیر مورد استفاده قرار گرفتند:

#### پرسشنامه هوش معنوی

در پژوهش حاضر جهت سنجش هوش معنوی از پرسشنامه ای که توسط کینگ (۲۰۰۸) تهیه شده است، استفاده گردید. این پرسشنامه ۲۴ ماده دارد، ۴ مؤلفه ی تفکر وجودی انتقادی (ماده های ۱، ۳، ۵، ۹، ۱۳، ۱۷ و ۲۱)، تولید معنای شخصی (ماده های ۷، ۱۱، ۱۵، ۱۹ و ۲۳)، آگاهی متعالی (ماده های ۲، ۶، ۱۰، ۱۴، ۱۸، ۲۰ و ۲۲) و بسط حالت هوشیاری (ماده های ۴، ۸، ۱۲، ۱۶ و ۲۴) را مورد سنجش قرار می دهد.



#### پرسشنامه سنجش صفات پنج گانه شخصیتی (NEO)

پرسشنامه NEO یکی از جدیدترین پرسشنامه های مربوط به ارزیابی ساخت شخصیت بر اساس دیدگاه تحلیل عاملی است. این آزمون به لحاظ انعکاس ۵ عامل اصلی امروزه به عنوان یک مدل فراگیر بر اساس تحلیل عوامل محسوب می شود و گستردگی کاربرد آن در ارزیابی شخصیت افراد سالم و نیز در امور بالینی می تواند یکی از مناسب ترین ابزار ارزیابی شخصیت باشد. این آزمون به دلیل بررسی های گوناگون در گروه های سنی و در فرهنگ های مختلف روی آن صورت گرفته است می تواند یکی از جامع ترین آزمون ها در زمینه ارزیابی شخصیت باشد این آزمون موضوع تحقیقات طی ۱۵ سال گذشته بر روی نمونه های بالینی و بزرگسالان سالم بوده است. از این رو سودمندی آن هم در جریانات بالینی و هم در جریانات تحقیقی ارزیابی شده است. پرسشنامه شخصیتی NEOPI-R جانشین تست NEO است که در سال ۱۹۸۵ توسط مک کری و کاستا تهیه شده بود. این پرسشنامه ۵ عامل اصلی شخصیت و ۶ خصوصیت در هر عامل یا به عبارتی ۳۰ خصوصیت را اندازه می گیرد و بر این اساس ارزیابی جامعی از شخصیت را ارائه می دهد. این پرسشنامه دارای دو فرم یکی (S) برای گزارش های شخصی است و شامل ۲۴۰ سوال پنج درجه ای از کاملاً موافق تا کاملاً مخالف است که توسط خود آزمودنی درجه بندی می شود و متناسب مردان و زنان در تمام سنین است. و دیگری فرم (R) یا تجدید نظر شده نام دارد و بر اساس درجه بندی های مشاهده گر است. این فرم نیز دارای همان ۲۴۰ سوال بوده با این تفاوت که با ضمیر سوم شخص شروع می شود. فرم (R) هم می تواند به طور مستقل برای ارزیابی شخصیت به کار رود و هم به عنوان مکملی برای گزارش های شخصی فرم (S) و یا روایی آن مورد استفاده قرار گیرد (گروسی فرشی، ۱۳۸۰). این پرسشنامه فرم کوتاهی نیز به نام (NEO-FFI) نیز دارد که یک پرسشنامه ۶۰ سؤالی است و برای ارزیابی ۵ عامل اصلی شخصیت به کار می رود اگر وقت اجرای تست خیلی محدود باشد و اطلاعات کلی از شخصیت کافی باشد از این پرسشنامه استفاده می شود. از سوی دیگر اجرای این آزمون از نظر هزینه و زمان مقرون به صرفه است مقیاس های آن از اعتبار بالایی برخوردارند و همبستگی بین مقیاس ها زیاد است و از همه مهمتر این آزمون بر خلاف سایر آزمون های شخصیتی، انتقادات کمتر بر آن وارد شده است (گروسی فرشی، ۱۳۸۰).

جدول ۱ ماتریس همبستگی مربوط به متغیرهای پیش‌بین و ملاک در آزمودنی‌ها

متغیر	۱	۲	۳
۱ هوش معنوی	-		
۲ بهزیستی روانشناختی	-۰/۲۷**	-	
۳ صفات شخصیت	-۰/۳۵**	۰/۵۶**	-

$$*p \leq 0/05, ** p \leq 0/01$$

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی بین نمره کل هوش معنوی با بهزیستی روانشناختی  $r = -0/27$  به دست آمده است که در سطح  $P < 0/01$  معنی‌دار است. بنابراین، فرضیه ۱ تأیید می‌گردد. ضریب همبستگی بین نمره کل هوش معنوی با صفات شخصیت  $r = -0/35$  به دست آمده است که در سطح  $P < 0/01$  معنی‌دار است. بنابراین، فرضیه ۲ تأیید می‌گردد. ضریب همبستگی بین نمره کل بهزیستی روانشناختی با صفات شخصیت  $r = -0/56$  به دست آمده است که در سطح  $P < 0/01$  معنی‌دار است. بنابراین، فرضیه ۳ تأیید می‌گردد.

برای بررسی فرضیه ۴، از روش تحلیل رگرسیون به دو صورت ورود مکرر و گام به گام استفاده شد. جدول ۲ نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه‌ی هوش معنوی، بهزیستی روانشناختی با صفات شخصیت را به روش ورود مکرر (Enter) نشان می‌دهد.

همان‌طور که نتایج مندرج در جدول ۲ نشان می‌دهد، از بین متغیرهای پیش‌بین هوش معنوی ( $\beta = -0/267$ )، بهزیستی روانشناختی ( $\beta = -0/214$ )، هر دو متغیر صفات شخصیت در مهارت آموزان دانشگاه فرهنگیان شهر شادگان را پیش‌بینی و در مجموع  $0/19$  از واریانس آن را تبیین می‌کنند.



جدول ۲ نتایج تحلیل رگرسیون مربوط به متغیرهای هوش معنوی، بهزیستی روانشناختی و با صفات شخصیت به روش ورود مکرر

	ضرایب رگرسیون (β) و (B)			نسبت F احتمال P	RS	MR	شاخص آماری
	۳	۲	۱				متغیرهای پیشین
B β t P			-۰/۱۱۲ -۰/۲۶۷ -۴/۷۹ ۰/۰۰۱	= F۲۲/۹۴ = p۰/۰۰۰	۰/۰۷۱	۰/۲۶۷	هوش معنوی
B β t P		-۰/۰۶۵ -۰/۲۱۴ -۳/۷۶ ۰/۰۰۱	-۰/۱۰۲ -۰/۳۱۱ -۳/۳۲ ۰/۰۰۱	= F۱۹/۰۶ = p۰/۰۰۰	۰/۱۴۱	۰/۳۳۷	بهزیستی روانشناختی

جدول ۳ نیز نتایج تحلیل رگرسیون به روش گام به گام متغیرهای هوش معنوی، بهزیستی روانشناختی با صفات شخصیت در مهارت آموزان دانشگاه فرهنگیان شهر شادگان را نشان می‌دهد. همان‌طور که نتایج مندرج در جدول ۳ نشان می‌دهد، از بین متغیرهای مستقل، هر دو متغیر هوش معنوی، بهزیستی روانشناختی پیش‌بین صفات شخصیت در مهارت آموزان دانشگاه فرهنگیان شهر شادگان می‌باشند. ضریب همبستگی چندگانه برابر با  $MR=۰/۴۴۶$  و ضریب تعیین برابر با  $RS=۰/۱۹۹$  است که در سطح  $p<۰/۰۱$  معنی‌دار است. به عبارتی ۱۹/۹٪ از واریانس مربوط به صفات شخصیت در مهارت آموزان دانشگاه فرهنگیان شهر شادگان به وسیله متغیرهای مذکور تبیین می‌شود. بنابراین، فرضیه ۴ نیز تأیید شد.

جدول ۳. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه مربوط به متغیرهای هوش معنوی، بهزیستی روانشناختی با صفات شخصیت به روش گام به گام

مقدار ثابت (a)	ضرایب رگرسیون (β) و (B)			نسبت F احتمال P	RS	MR	شاخص آماری	
	۳	۲	۱				متغیرهای پیشین	
۳۶/۰۸۲	B β t P		-۰/۰۸۳ -۰/۲۷۱ -۵/۱۳۱ ۰/۰۰۱	-۰/۱۸۷ -۰/۳۱۱ -۵/۸۹۰ ۰/۰۰۱	F= ۳۰/۵۴۹ p= ۰/۰۰۰	۰/۱۷۱	۰/۴۱۳	بهزیستی روانشناختی
۲۹/۶۱۲	B β t P		-۰/۰۶۸ -۰/۲۲۲ -۴/۱۰۶ ۰/۰۰۱	-۰/۱۷۶ -۰/۲۹۴ -۵/۶۲۱ ۰/۰۰۱	F= ۲۴/۵۵۳ p= ۰/۰۰۰	۰/۱۹۹	۰/۴۴۶	هوش معنوی

هوش معنوی و بهزیستی روانشناختی با صفات شخصیت در مهارت آموزان دانشگاه فرهنگیان شهر شادگان رابطه چندگانه دارند.

#### بحث و نتیجه گیری

بالا بودن سطح هوش معنوی و به خصوص توانایی بالا در مقابله و تعامل با مشکلات، پیش بینی کننده ی میزان پایین اضطراب مرگ در افراد است. در تبیین این یافته می توان گفت معنویت، ترس از مرگ را کاهش می دهد و هوش معنوی زمانی نمایان می شود که فرد زندگی اش را با معنویت کامل سپری می کند (بیرامی، محمدپناه اردکان، فاروقی و قانع، ۱۳۹۴). همچنین پژوهش ها نشان می دهند که مذهب، اساسی ترین و مهم ترین مسئله در شخصیت سالم و وحدت روانی است و وحدت روانی با سیستم ارزشی که بتواند به حیات معنی و هدف بدهد، مرتبط است. با توجه به آنکه افراد دارای گرایش مذهبی، ارزشهای مذهبی را درونی کرده، آن را به مثابه هدف در نظر می گیرند و از آن برای مقابله با مشکلات و رفع نیازهای خود کمک می گیرند (گارسوخ، ۱۹۸۸، به نقل از بهرامیان و بهرامیان، ۱۳۹۳)، همچنین، یافته های به دست آمده از این پژوهش با یافته های وفایی و همکاران (۱۳۹۰)، بودنر و همکاران (۲۰۱۵)، اسپینوزا و سازهونزا (۲۰۱۲) و زاهد و بیگام (۱۳۹۲) همسو است. در تبیین این نتایج می توان گفت تنظیم شناختی هیجان ها به افراد کمک می کند تا برانگیختگی و هیجان های منفی را تنظیم نمایند. این شیوه تنظیم با رشد یا بروز اختلال های روانی رابطه مستقیم دارد. بنابراین، در نتیجه ی ارزیابی شناختی نادرست از موقعیت به دلیل کمبود اطلاعات، برداشت اشتباه یا اعتقادات بی منطق و نادرست فرد راهبرد شناختی خود را بر ای روبرو شدن با موقعیت تنیدگی زا همچون اضطراب مرگ برمی گزیند. انتخاب راهبرد مقابله ای کارآمد در ابعاد شناختی، هیجانی و رفتاری علاوه بر افزایش استفاده از مقابله های سازگارانه، بر ارتقای سلامت روان اثرگذار است (عیسی زادگان، جناآبادی و سعادت مند، ۱۳۸۹). همچنین تنظیم هیجان ها، یک اصل اساسی در شروع، ارزیابی و سازمان دهی رفتار سازگارانه و همچنین جلوگیری از هیجان های منفی و

اضطراب ها و رفتارهای ناسازگارانه محسوب می شود (گارنفسکی و همکاران، ۲۰۰۲، نقل از کرمی و همکاران، ۱۳۹۴).

فرضیه - بین هوش معنوی و بهزیستی روانشناختی با صفات شخصیت مهارت آموزان شهر شادگان رابطه وجود دارد.

همان گونه که در یافته‌های پژوهش حاضر مشاهده شد، با توجه به نتایج ارائه شده در جدول ۲ بر اساس نتایج حاصل از رگرسیون با روش ورود مکرر (Enter)، ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی نمره کل هوش معنوی، بهزیستی روانشناختی و با صفات شخصیت برابر  $MR=0/446$  و  $RS=0/19$  می باشد که در سطح  $p < 0/01$  معنی دار است. همچنین با توجه به جدول ۳ طبق نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون با روش مرحله ای (Stepwise) تمام متغیرهای پیش بین از قدرت پیش بینی لازم برخوردارند. لذا، فرضیه ۴ تأیید شد. در تبیین این یافته می توان گفت، که روابط انسانی مبحثی بی کرانه است و برای آفرینش آن، شناخت نیازمندی ها و کیفیات روانی ویژه هر کس و ارضای آن از اهمیت بنیادی برخوردار است (الساندرا و کارت؛ ترجمه آل یاسین، ۱۳۸۶) و هوش معنوی خاصیت ویژه ای است که نشان دهنده قابلیت ها و توانایی های فردی است و به خوب کنار آمدن با دیگران و روابط اجتماعی موفق منجر می شود. اما جوانی دوره ای است که فرد با افزایش فعالیت ها مواجه شده و تمایل دارد که از جامعه فعال نماید (احمدی و جهرمی، ۱۳۸۶).

#### منابع و ماخذ

- احمدی، حسن و جهرمی، فرهاد (۱۳۸۶). روانشناسی رشد نوجوانی، بزرگسالی (جوانی، میانسالی، پیری). تهران: انتشارات پردیس.
- اریکسون. به نقل از عمرانی پور، علی؛ محمدمراد، اصغر (۱۳۹۰). تحلیلی بر ویژگیهای محیط در نظریه شخصیت اریکسون، آرمان شهر. شماره ۷، صص ۵۰-۴۱.
- اصغری، فرهاد. سعادت، سجاد. عاطفی کرجوندانی، ستاره. جانعلی زاده کوکنه، سحر. (۱۳۹۳). رابطه بین خودکارآمدی تحصیلی با بهزیستی روانشناختی، انسجام خانواده و سلامت معنوی در دانشجویان دانشگاه خوارزمی، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی.
- انیسی، احمدی و مرزآبادی (۱۳۹۲). ارتباط هوش معنوی با میزان التزام عملی به اعتقادات دینی در کارکنان. مرکز تحقیقات علوم رفتاری دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله تهران. مجله ی رفتاری. دوره ی ۷، شماره ی ۲، صص ۱۶۷-۱۷۲.
- ایمان، محمدتقی و آقامیری، سیده فاطمه (۱۳۹۱). بررسی عوامل فرهنگی و روانشناختی مؤثر بر بهزیستی روانی مادران متعلق به آشیانه خالی. فصلنامه علمی- پژوهشی جامعه شناسی زنان، سال سوم، شماره ۱، صص ۲۰-۲۰.
- آذربایجان، مسعود (۱۳۸۶). روانشناسی دین از دیدگاه ویلیام جیمز. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و

دانشگاه.

آذربایجان، مسعود و موسوی اصل، سید مهدی (۱۳۹۴). درآمدی بر روانشناسی دین. ویراست دوم، چاپ پنجم، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

آرین خدیجه (۱۳۸۰). رابطه دینداری و رواندستی. چکیده اولین مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، دانشگاه علوم پزشکی ایران.

بهادری خسروشاهی، جعفر. هاشمی نصرت آبادی، تورج. (۱۳۹۲). رابطه امیدواری و تاب آوری با بهزیستی روان شناختی در دانشجویان دانشگاه تبریز. اندیشه و رفتار. ۶(۲ پی ۲۲): ۵۰-۴۱.

بیرامی، منصور، موحدی، یزدان و موحدی، معصومه (۱۳۹۲). نقش هوش معنوی در پیش بینی استرس ادراک شده، اضطراب و افسردگی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان. مجله‌ی دانشگاه علوم پزشکی بابل. دوره‌ی شانزدهم. شماره ۱. دی ماه ۱۳۹۲. صفحه‌ی ۵۶-۶۲.

بیرامی، منصور؛ محمدپناه اردکانی، عذرا؛ فاروقی، پریا و قانع، مهدی (۱۳۹۴). پیش‌بینی اضطراب مرگ بر اساس هوش معنوی در تعدادی از دانشجویان و طلبه‌های حوزه‌ی علمیه‌ی اردکان و میبد، فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۱۴، سال پنجم، شماره اول، صص ۲۲-۳۷.

جاودان (۱۳۹۱). طراحی و آزمون الگویی از پیش‌بیندها و پیامدهای هوش معنوی در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی شهر بندرعباس. پایان‌نامه دکتری رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز.

خدادوست، فرزانه (۱۳۹۱). پیش‌بینی کیفیت زندگی و میزان فعالیت روزمره بیماران پیوند کلیه شهر اهواز بر اساس هوش معنوی، منبع کنترل سلامت و شیوه‌های مقابله با استرس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز.

خرمی راد، اشرف؛ ارسنگ، شهرام؛ احمري طهران، هدی و دهقانی، حکیمه (۱۳۹۲). ارتباط هوش معنوی با اضطراب امتحان در دانشجویان پرستاری و مامایی: کاربرد تحلیل مسیر، مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی، ۱۳(۴)، صص ۱-۱۰.

زاهد، بابلان و بگیام، رعنا (۱۳۹۲). رابطه‌ی هوش معنوی و خودکارآمدی و سلامت روان. مجله‌ی علوم پزشکی رفسنجان، دوره ۱۵، شماره ۵، صص ۴۴۹-۴۶۰.

ساغروانی، سیما (۱۳۸۸). معنویت، خود شکوفایی و هوش معنوی در محیط کار. فصلنامه علمی پژوهشی و تخصصی مدیریت، شماره ۲۷، ۶-۳۱.

سهرابی، فرامرز (۱۳۸۵). درآمدی بر هوش معنوی، فصلنامه معنا، شماره ۲، ۲۲-۱۰.

Abdelkhalek, A. M., Tomas- Sabado, S. (2005). Anxiety and death anxiety in Egypt and Spanish nursing students. *Death Studies*, ۲۹, ۱۵۷-169.

Allport, G. (1967). Personal religious orientation and prejudice. *Journal of Personality and Social Psychology*, 5, 423-443.

Allport, G. (1968). *The person in psychology*. Boston: Beacon press.

Allport, G. W. Ross, J. M. (1967). Personal religious orientation and prejudice, *Journal of Personality and Social Psychology*, ۵(۴), ۱۵-25.

Aradilla-Herrero, A., Tomás-Sábado, J., & Gomez-Benito, J. (۲۰۱۲-2013). Death attitudes and emotional intelligence in nursing student. *OMEGA*, ۶۶ (1): 39-55.

Amram, J. Y. (2005). *Intelligence beyond IQ: The contribution of emotional and Spiritual intelligence to effective business leadership*.

Ardelt, M. (۲۰۰۳). Effects of religion and purpose in life on elders' subjective well-being and attitudes toward death. *J Relig Gerontol*, ۱۴(4): 55-65.

Bar- on, R., & Handley, R. (2003). *The Bar-on EQ-360: The technical manual*. Toronto Canada: Multi- Health Systems.

Bar-On, R., Handley, R., & Fund, S. (2006). The impact of emotional and social intelligence on performance. In Vanessa Druskat, Fabio Sala, and Gerald Mount (Eds.), *LINKING RESEARCH EVIDENCE*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum, pp. 3-19.

Bar-on, R. (1997). *The Emotional Quotient Inventory (EQ-i)*. A test of emotional intelligence. Jossey. Bass.

Bar-on, R. (2000). *Emotional and Social Intelligence. Insights from Emotion Quotient Inventory*. Toronto, Canada: Multi-Health Systems.



Belsky, J. (1999). The Psychology of aging: Theory, research, interventions.

Bergin, A. E. (1983). Religiosity and mental health: A critical reevaluation and metaanalysis. *Professional Psychology: Research and Practice*, 14(2), 170-184.



**Investigate the relationship between spiritual intelligence and psychological well-being with the personality traits of students of Farhangian University of Shadgan**

**Hossein Jaridinejad\***

**Abstract**

**Purpose:** The general purpose of this research is to investigate the relationship between spiritual intelligence and psychological well-being with the personality traits of students of Farhangian University of Shadgan.

**Method:** The research method used in this research is descriptive. The research sample includes 80 students of Farhangian University who were selected by random sampling. The questionnaire of spiritual intelligence, psychological well-being and personality traits was used to measure the variables of this research. Pearson's coefficient method and regression analysis were used to analyze the data.

**Findings:** The results of the research showed that there is a significant relationship between spiritual intelligence and psychological well-being of skill students at the level of 0.001.

**Conclusion:** Having high spiritual intelligence and strong psychological well-being is very useful and necessary. It is consistent that people who have strong spiritual beliefs achieve high success in assignments compared to other people.

**Keywords:** spiritual intelligence, psychological well-being, personality traits, skills students of Farhangian University